

سرشناسه: محمدیان، محمد، ۱۳۳۶ -

عنوان قرار دادی: حیاة امیرالمؤمنین علیه السلام عن لسانه، فارسی.

عنوان وپدیدآور: آفتاب آمد دلیل آفتاب: علی علیه السلام از زبان علی علیه السلام ترجمه حیاة امیرالمؤمنین علیه السلام

مؤلف: محمد محمدیان، مترجم: مجید حیدری فر.

مشخصات نشر: قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ج.

فروست: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۰۳۱.

شابک: ج. ۱: ۹-۳۰۸-۴۷۰-۹۶۴-۹۷۸

و فرست فهرست نویسی: فایا.

یادداشت: عنوان دیگر: آفتاب آمد دلیل آفتاب. یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: علیه السلام از زبان علی علیه السلام ترجمه حیاة امیرالمؤمنین علیه السلام ...

عنوان دیگر: آفتاب آمد دلیل آفتاب.

موضوع علی علیه السلام بی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.

شناسه افزوده: حیاة امیرالمؤمنین، مؤید، ۱۳۳۸ - مترجم.

شناسه افزوده: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

رده بندی کنگره: ۴۱۱۱۹۳ - ج ۳ / ۳۵ / ۳۷ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۰ / ۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۰۳۴۸۳



آفتاب آمد دلیل آفتاب

■ مؤلف:

□ شیخ محمد محمدیان

■ مترجم:

□ مجید حیدری فر

■ موضوع:

□ معارف

■ قطع:

□ وزیری

■ نوبت چاپ:

□ پنجم

■ چاپ و نشر:

□ دفتر انتشارات اسلامی

■ تعداد مجلدات:

□ یک جلد

■ تعداد صفحات:

□ ۳۰۸

■ تاریخ انتشار:

□ بهار ۱۳۹۷

■ شمارگان:

□ ۵۰۰

دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

فهرست مطالب

- ۱۳ مقدمه‌ی دفتر
- ۱۵ پیشگفتار
- ۲۶ بخش یکم: سبقت علی علیه السلام بر پیامبران
- ۲۷ فصل یکم: نخستین مؤمن به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۷ فطرت توحیدی علی علیه السلام
- ۲۷ نخستین مؤمن
- ۲۸ نخستین یار و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۳۰ تنها عاشق و دوستدار پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۳۱ نخستین مسلمان
- ۳۴ فصل دوم: نخستین عابد موحد
- ۳۷ فصل سوم: نخستین بر پاکننده‌ی نماز با پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۴۱ فصل چهارم: علی علیه السلام یگانه صدیق اکبر
- ۴۳ بخش دوم: ارتباط ویژه‌ی علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۴۳ فصل یکم: نزدیک‌ترین فرد به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۴۵ نزدیک‌ترین یار
- ۴۵ پرتوی از آفتاب
- ۴۶ یک روح در دو بدن
- ۴۶ پاره‌ی تن پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۴۶ مجمع فضایل

- ۴۸ نفس پیامبر ﷺ
- ۴۹ سبب تکریم ویژه‌ی پیامبر ﷺ
- ۴۹ کرامتی انکار شدنی
- ۵۰ ■ فصل دوم: محرم راز پیامبر ﷺ
- ۵۰ علی علیه السلام تنها محرم راز
- ۵۲ پیشمرگ و فدایی پیامبر ﷺ
- ۵۴ پرستار پیامبر ﷺ
- ۵۵ هزاره و همسر پیامبر ﷺ
- ۵۶ عنایت برده‌ی پیامبر ﷺ به علی علیه السلام
- ۵۸ ■ فصل سوم: ز پیغمبر ﷺ
- ۵۸ تنها برادر رسول خدا ﷺ
- ۶۶ ■ فصل چهارم: محبوب‌ترین مردم نزد پیامبر ﷺ
- ۶۶ علی علیه السلام عاشق خدا و پسر خدا
- ۷۲ احتجاجی رسواگر
- ۷۳ خانواده‌ی علی علیه السلام محبوب‌ترین مردم نزد پیامبر ﷺ
- ۷۳ علی علیه السلام یگانه مختار همیشگی پیامبر ﷺ
- ۷۴ محبت علی علیه السلام فرمان الهی
- ۷۴ علی علیه السلام رحمت الهی
- ۷۵ حقیقت آفرینش پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام
- ۷۶ یگانگی جان پیامبر ﷺ و علی علیه السلام
- ۷۶ پیامبر ﷺ و درخواست شفای علی علیه السلام
- ۷۷ توسل پیامبر ﷺ به علی علیه السلام
- ۷۸ ریشه‌های کینه نوزی عایشه با علی علیه السلام
- ۸۴ ■ فصل پنجم: جایگاه امام علی علیه السلام در مسجد پیامبر ﷺ
- ۸۷ ■ فصل ششم: خواستگاری و ازدواج با دختر پیامبر ﷺ
- ۸۷ آمادگی برای خواستگاری فاطمه علیها السلام
- ۸۸ خواستگاری از فاطمه علیها السلام

۹۰	خرید لوازم عروسی.....
۹۲	سخنان علی <small>علیه السلام</small> پس از پذیرش خواستگاری
۹۳	ازدواج مبارک
۹۷	همسران الهی.....
۹۸	پیوند آسمانی
۹۸	زرارشی از ام ایمن
۱۰۰	● بدش سوم: نثار ه انثار، جهان، و مبارزه با دشمنان دین
۱۰۱	■ فصل یک: خداکاران در رکاب پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۰۱	نبرد بی اندر شمشیر
۱۰۲	ستایش راستین
۱۰۲	پرچمدار پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در جنگ ها
۱۰۳	خاندان پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> پیشگامان جهاد
۱۰۴	شمشیر گرانسنگ
۱۰۴	مدال افتخار حقیقی
۱۰۵	رسوایی معاویه
۱۰۶	پیشمرگ پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۰۷	یاری کردن دین خدا، بهترین مدال افتخار
۱۰۹	■ فصل دوم: پایداری در رکاب پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۰۹	استادگی در راه آرمان های الهی
۱۱۰	جان نثاران راه سعادت
۱۱۰	شجاعت الهی
۱۱۱	پیشرو سپاه اسلام
۱۱۱	لحظه های به یاد ماندنی
۱۱۲	فدایی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۱۳	نبرد نستوهانه با دین ستیزان
۱۱۴	■ فصل سوم: داستان یوم الانذار
۱۱۴	وزیر پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۱۷	ارث بردن از پسر عمو

- ۱۱۹ ■ فصل چهارم: آرמידن در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۱۹ پاسخ به رهبر یهودیان.
- ۱۲۰ فریاد علیه جانین
- ۱۲۲ استدلالی نیرومند.
- ۱۲۲ اشعار جان نواز
- ۱۲۳ پاسخی دندان شکن.
- ۱۲۵ خبر ۵ تن
- ۱۲۵ اما از دار پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه
- ۱۲۶ جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه
- ۱۲۷ ■ فصل پنجم: نقش امام علی علیه السلام در جنگ بدر
- ۱۲۷ حضور ایثارگرا نه
- ۱۲۷ پاسخ به رهبر یهودیان.
- ۱۲۸ پایداری جوانمردانه.
- ۱۲۹ کشتن ولید در بدر
- ۱۲۹ ضربه های سهمگین
- ۱۳۱ ■ فصل ششم: نقش امام علی علیه السلام در جنگ احد
- ۱۳۱ حضور شجاعانه در اُحد
- ۱۳۲ کشتن طلحه در اُحد
- ۱۳۳ حضور ایثارگرا نه در اُحد
- ۱۳۴ پروانه های شمع وجود پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۳۶ جنگ تا آخرین نفس
- ۱۳۶ حضوری حماسه آفرین
- ۱۳۷ دریافت شمشیر ذوالفقار
- ۱۳۷ ستایش جبرئیل از علی علیه السلام در اُحد
- ۱۳۸ مناظره های کوبنده
- ۱۳۸ گزارشی گویا و حماسی
- ۱۳۹ جان نثار پرافتخار احد
- ۱۴۱ ■ فصل هفتم: نقش امام علی علیه السلام در جنگ خندق

۱۴۱	حضور پر توان در جنگ احزاب
۱۴۳	ادب، ایثار و تثار
۱۴۳	انتخابی زیبا و پر شکوه
۱۴۴	شعرهای حماسی
۱۴۶	چکامه‌ی دفاع از دین
۱۴۷	گرایش پیروزی بر دشمن
۱۴۸	استدلالی نیرومند
۱۴۸	اخلاص
۱۴۹	یگانه سردار شمع اسلام
۱۵۰	■ فصل هشتم: نقش امام علم <small>علیه السلام</small> در صلح حدیبیه
۱۵۰	مشاور و نامه‌نویس <small>علیه السلام</small>
۱۵۱	پاسخی کوبنده به پندار <small>علیه السلام</small>
۱۵۲	نختم ایمان
۱۵۴	■ فصل نهم: نقش امام علی <small>علیه السلام</small> در جنگ خیبر
۱۵۴	تأثیر دعای پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۵۶	استدلالی کوبنده
۱۵۶	مبارزه‌ای بی‌امان
۱۵۷	ضربه‌ای سهمگین
۱۵۸	در پاسخ رهبر یهودیان
۱۵۹	پل پیروزی
۱۶۰	برهانی استوار
۱۶۰	قدرت الهی
۱۶۱	ستایشی آسمانی
۱۶۴	■ فصل دهم: نقش امام علی <small>علیه السلام</small> در فتح مکه
۱۶۴	ایمان راسخ به پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۶۵	به دنبال کشف خیانت
۱۶۶	یگانه بت شکن آسمانی
۱۶۷	راهیابی برای درخواست عفو

- ۱۶۷ ابوسفیان و معاویه، آزادشدگان پیامبر ﷺ
- ۱۶۹ ■ فصل یازدهم: جایگاه امام علی علیه السلام در جنگ تبوک
- ۱۶۹ جانشین پیامبر ﷺ
- ۱۶۹ خلیفه‌ی پیامبر ﷺ
- ۱۷۰ اقامت علی علیه السلام در مدینه
- ۱۷۱ علی علیه السلام مانند هارون علیه السلام
- ۱۷۱ جو سازی منافقان در مدینه
- ۱۷۲ توبی منافقان در مدینه
- ۱۷۳ متاهله‌ها بیان سید
- ۱۷۴ ■ فصل دوازدهم: شرح امام علی علیه السلام در مکه و قرانت سوره‌ی برانت
- ۱۷۴ یگانه مبلغ قدس
- ۱۷۵ فریادگر توحید در ثانون شرقی
- ۱۷۶ استدلالی بنیادین
- ۱۷۷ ابلاغ پیام ویژه
- ۱۷۷ فریاد رسای توحید
- ۱۷۸ برگزاری حج محمدی صلی الله علیه و آله
- ۱۸۰ ● بخش چهارم: شاگرد ممتاز پیامبر ﷺ
- ۱۸۱ ■ فصل یکم: فراگیری معارف الهی از پیامبر ﷺ
- ۱۸۱ شاگرد ویژه‌ی پیامبر ﷺ
- ۱۸۳ گنجینه‌ی علوم
- ۱۸۳ دانش پژوهی کاوشگر
- ۱۸۴ گشایش درهای علوم
- ۱۸۵ یادگیری یک میلیون قاعده‌ی کلی
- ۱۸۵ گشایش هزاران در از علوم
- ۱۸۵ خلوت حبیب و محبوب
- ۱۸۶ علمی فراوش نشدنی
- ۱۸۶ احتجاج با مخالفان
- ۱۸۷ مربی آسمانی

۱۸۸	■ فصل دوم: یادگیری قرآن از پیامبر ﷺ
۱۸۸	یگانه آشنای معارف قرآنی
۱۸۹	خزانه دار علوم قرآنی
۱۹۱	امالی پیامبر ﷺ
۱۹۳	● آن پنج وصایا و سفارش‌های پیامبر ﷺ به علی <small>علیه السلام</small>
۱۹۴	■ صل یکم: امام علی <small>علیه السلام</small> محبوب مؤمنان و مبغوض کافران
۱۹۴	عهد پیامبر ﷺ با علی <small>علیه السلام</small>
۱۹۴	میزای ایمان و عمل
۱۹۵	استدلال‌های بی‌نکر
۱۹۷	■ فصل دوم: جایگاه نائیل و قاسمان و مارقان
۱۹۷	عهد الهی
۱۹۷	اخبار نبوی
۱۹۸	توضیحی درباره‌ی فتنه
۲۰۰	نبرد یا بدعت گذاران در دین
۲۰۰	جنگی بر پایه‌ی حکم قرآن
۲۰۱	احتجاجی استوار
۲۰۲	■ فصل سوم: بی‌وفایی امت اسلامی با امام علی <small>علیه السلام</small>
۲۰۳	■ فصل چهارم: اخبار از شهادت مظلومانه‌ی امام علی <small>علیه السلام</small>
۲۰۳	عروج خونین
۲۰۵	لحظه‌های پایانی
۲۰۶	تنهاترین شهید
۲۰۶	● بخش ششم: موقعیت امام علی <small>علیه السلام</small> هنگام ارتحال پیامبر ﷺ
۲۰۶	■ فصل یکم: روز وفات پیامبر ﷺ
۲۱۱	تسلیم اسرار الهی
۲۱۲	شرط برخورداری از نعمت‌های الهی
۲۱۳	خلوت دو یار
۲۱۳	آگاهی از اسرار جهان هستی
۲۱۴	وصایای ویژه

۲۱۶	■ فصل دوم: رحلت پیامبر ﷺ و مراسم دینی آن
۲۱۶	گزارشی جانسوز
۲۱۷	غم جانگداز
۲۱۷	یاران غیبی
۲۱۸	سروش آسمانی
۲۱۹	اسرار الهی دندان شکن
۲۲۱	■ فصل سوم: نماز گزاردن بر پیکر مطهر پیامبر ﷺ و دفن او
۲۲۱	نفس غریب و تنهایی
۲۲۱	بهترین جایگاه
۲۲۲	دهدار دین پیکر پیامبر ﷺ
۲۲۳	■ فصل چهارم: در سبب اسباب
۲۲۳	پاسخ به رد یهودیان
۲۲۵	ترجم عاشقانه
۲۲۶	داغ جانکاه
۲۲۶	انقطاع وحی
۲۲۸	● خاتمه: ویژه‌گی ابوطالب از زبان امام علی <small>علیه السلام</small>
۲۲۹	ویژه‌گی ابوطالب از زبان امام علی <small>علیه السلام</small>
۲۲۹	یکتا پرستی ابوطالب
۲۲۹	تأکید بر یادگیری اشعار ابوطالب
۲۳۰	تقیه ابوطالب
۲۳۰	ابوطالب، آخرین جانشین پیش از پیامبر ﷺ
۲۳۰	تأکید بر همراهی پیامبر ﷺ
۲۳۲	حماسه‌ای به یاد ماندنی
۲۳۱	دیدار به هنگام مرگ
۲۳۶	رضایت پیامبر ﷺ از ابوطالب
۲۳۷	دریافت خیر مرگ ابوطالب
۲۳۷	در سوگ پدر
۲۳۹	جایگاه ابوطالب در قیامت
۲۴۱	■ کتابنامه

مقدمه‌ی دفتر

پیرامون منزلت و جایگاه بلند و بی‌همتای امیر مؤمنان علیه السلام بسیار گفته و نوشته‌اند. زیرا شخصیت والای مولا علی علیه السلام به‌گونه‌ای است که هر چه بگوییم و بنویسیم، باز هم حق مطلب را ادا نکرده‌ایم.

نخستین پیشوای مسلمانان پس از رسول صلی الله علیه و آله و سلم، مرکز دایره‌ی تمام خوبی‌ها و محور همه‌ی نیکی‌هاست؛ بلند مرتبه‌ای است که عنق‌ای انسان‌ها به‌شهی انسانی هرگز توان پرواز در فضای وجودی‌اش را ندارد و جز خدای علی علیه السلام و پس خدا صلی الله علیه و آله و سلم کسی را برای شناخت وی نبوده و نیست.

اما ما وظیفه داریم در حدّ توان خویش، با استفاده از وحی صلی الله علیه و آله و سلم و سخنان دُرّبار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معصومان علیهم السلام روش و منش آن حضرت را دریافته و عدال‌پرویی از ایشان را به‌گردن آویزیم.

کتاب حاضر، برگردان به فارسی جلد یکم «حیة امیرالمؤمنین عن لسانه» است، چنانچه از نام کتاب پیداست در این مجموعه از زبان آن بزرگوار، شخصیت و سیر و سلوک الی الله او را در می‌یابیم و در برابر عظمت آن بزرگوار مبهور مانده، و بر مظلومیتش از دیده خون می‌گیریم.

به امید آنکه پیرو حقیقی راه او و شیفته‌ی واقعی‌اش باشیم. ان شاء الله.

۱۴..... آفتاب آمد دلیل آفتاب

در پایان، از خوانندگان محترم تقاضا داریم چنانچه انتقاد یا پیشنهادی دارند، به آدرس: قم، دفتر انتشارات اسلامی، صندوق پستی ۷۴۹، بخش فارسی ارسال دارند.

با تشکر فراوان

دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

www.Ketab.ir

پیشکفتار

از دیرباز بر آن بودم که نام خود را در دیوان نگارندگان علوی پیام بیابم، لیکن گاه به خود می‌نگریستم و به بی‌سبب زنده که این عرصه‌ی سیمرخ جولانگاه تو نیست و به یاد این سروش مولوی می‌افتادم:

رومی نشد از سرّ علی کس آگاه
پیرا نشد کس آگه از سرّ اله
یک ممکن و این همه صفات واجب
خَوَلَّ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

آری، جریان قلم بر روی کاغذ درباره‌ی ترسیم ابعاد گوناگون شخصیت کامل‌ترین مرآت حقّ سرمدی و زوایای پېچاپېچ حیات بارزترین کتاب است: ازلی، قدوة المتّقین، امام العارفين، مولی الموحدین، یعسوب الدین، قائد الغزاه المجلین، امیرالمومنین، علیه أفضل صلوات المصلّین، واقعاً بسیار دشوار است؛ اما:

آب دریا را اگر نتوان کشید
هم به قدر تشنگی باید چشم زد
بر پایه‌ی استراتژی پیش گفته، هنگام دریافت پیشنهاد ترجمه‌ی کتاب «حیة امیرالمؤمنین» جناب آقای محمّدیان - دام مجده - هیچ گونه سرسختی نشان ندادم و با آغوش باز پذیرایش گشتم. باشد که زمینه‌ای برای راهیابی به سرچشمه‌ی معارف کوثر علوی و برخوردارى از ادعیه‌ی زاکیه، مهر و نوازش خاندان گرانسنگ نبوی ﷺ فراهم گردد و نشانه‌های دستیابی به سعادت دارین پیش رویم هویدا شود.

همان‌گونه که قرآن مجید کلمه‌ی تدوینی ذات اقدس الهی و « کتاب اندر کتاب » و دارای چهره‌ی ملکی و حقیقتِ ملکوتی است و جز پاک جانان را توان راهیابی به آن حقیقت نیست؛ « إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ * لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ »،^(۱) همان کامل نیز کلمه‌ی تکوینی خداوند و سرّ مکنون الهی است. دستیابی به شخصیت ملکوتی او، فقط شایسته‌ی خداوند بزرگ است. پیامبر گرامی اسلامی ﷺ فرمود: « يَا بَنِي آدَمَ! مَا عَرَفَ اللَّهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ، غَيْرِي وَغَيْرِكَ، وَمَا عَرَفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ غَيْرَ اللَّهِ وَغَيْرِي »^(۲)

انسان کامل جز بلند ستیغ و چکاد آشیان است که کسی را یاری صعود بر اوج قلّه‌ی شناخت او نیست؛ « وَلَا تَقْنِي إِلَيَّ الطَّيْرُ »^(۳) انسان کامل آینه‌ی تمام نمای حقّ متعالی و مظهر همه‌ی اسمی و صفت الهی است، حتی اسمای مستأثره که حریم ویژه‌ی قیوم قدوس است، در صورت ظهور، مظهری جز انسان کامل ندارد. از این رو، وی برتر از قرآن یادست کم همتای آن است؛ « مَا عَدَدُ مَا بَدَأَ بِرَبِّهِ وَنَحْسْتَيْنِ مَظْهَرِ دِرْيَافَتِ افَاضَةِ هَسْتِي از حَقِّ مَتَعَالَى اسْتِ »؛ « أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي »^(۴)

آری! همچنان که قرآن به مراتب چهارگانه‌ی جمع الجمع و جمع، فرق و فرق الفرق متنزل شده،^(۵) و آن حقیقت نورانی به صورت مقامات و جملات در اختیار بشر نهاده شده است، انوار پر فروغ محمد و آل محمد ﷺ بر همین مراحل را پیموده‌اند. آثار وجود فراملکی آنان از عالم خاک تا آن سوی افلاک و بیابان وجود فراملکوتی آنان برتر از زمان و مکان است؛ « كُنْتُ نَبِيًّا وَآدَمَ بَيْنَ الْمَاءِ وَالْعَيْنِ »^(۶) و سرانجام برای هدایت و رهبری برترین امت‌ها در منطقه‌ی حجاز ظاهر شدند.

بنابراین، سخن نام‌آورانی چون «خلیل بن احمد نحوی فراهیدی» در توصیف ابعاد

۱ - واقعه: ۷۷/۵۶ - ۷۹.
 ۲ - بحار الأنوار: ۸۴/۳۹، حدیث ۱۵.
 ۳ - نهج البلاغه / خطبه‌ی ۳.
 ۴ - بحار الأنوار: ۲۲/۲۵، حدیث ۳۸.
 ۵ - برای توضیح بیشتر مقامات چهارگانه ر.ک: اسفار: ۶/۲۸۴؛ ۲/۳۱۱؛ ۹/۱۷۸.
 ۶ - بحار الأنوار: ۴۰۲/۱۶، حدیث ۱.

شخصیت امام علی علیه السلام: «ما أقولُ في شخصِ أخفى أعداؤه فضائله حسداً وأخفى أوليائه فضائله خوفاً وخذراً وظهراً فيما بين هذين فضائل طَبَقَتِ الشُّرُوقَ وَالغَرْبَ»^(۱) چه گویم درباره‌ی آن که دشمنانش بر پایه‌ی کینه‌توزی و حسدورزی، و دوستانش بر اساس ترس از جان و مال و آبرو، در کتمان فضایل او کوشیدند، ولی با این همه، کسی جز او دارای چنین پهنه‌ی گسترده‌ای از فضایل و صفات نیکو نیست؛ و نیز: «إِحْتِياجُ الكُلِّ إِلَيْهِ»^(۲) نیازمندی همگان به او، و بی‌نیازی وی از همه نشانده‌ی تمامیت او بر تمامی بشر است.

همچنین: «إِنِّي عَلِيٌّ بِمَا تَقَدَّمَهُمْ إِسْلَاماً، وَفَاقَهُمْ عِلْماً، وَبَدَّهُمْ شَرَفاً، وَرَجَحَهُمْ زُهْداً، وَطَالَهُمْ جِهَاداً فَعَبَّرُوا وَالنَّاسُ إِلَى أَشْكَالِهِمْ وَأَسْبَاهِهِمْ أَمِيلٌ مِنْهُمْ إِلَى مَنْ بَانَ مِنْهُمْ»^(۳)

مشابه این سخن از عامر بن عبدالله بن زبیر نقل شده است.^(۴) ابن ابی الحدید معتزلی می‌گوید: «فَسِيحَانٌ مَنْ خَصَّهُ بِالْمَصَائِلِ الَّتِي لَا تَنْتَهِي السَّنَةُ الْفُضْحَاءِ إِلَى وَصْفِهَا وَجَعَلَهُ إِمَامٌ كُلُّ ذِي عِلْمٍ وَقُدْوَةٌ كُلِّ ضَاحِبٍ بِرِيسِيصَةٍ»^(۵) واقعی نیز می‌گوید: «إِنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ مِنْ مُعْجَزَاتِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله كَالْعَصَى لِمُوسَى عليه السلام وَأَحْيَاءِ الْمَيِّتِ لِعِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عليه السلام»^(۶) این همه در ستایش چهره‌ی ملکی اوست.

درباره‌ی معرفی چهره‌ی نورانی ائمه‌ی اطهار علیهم السلام کتاب *سیرت و سوانی* نگاشته شده است، ولی دقیق‌ترین آن‌ها توصیف زندگانی آن ستارگان درخشان از زبان خودشان است که اصطلاحاً «توبیوگرافی» نامیده می‌شود. در این زمینه، مؤلف *سیرت* هرگز پس از سال‌ها تلاش و در نوردیدن اقیانوس‌های ژرف جوامع روایی و تاریخی که مرآت

۱- المناقب / خوارزمی / مقدمه / ۸.

۲- عبقرية الامام / العقاد / ۱۳۸؛ تأسيس الشيعة / سيد حسن صدر / ۱۵۰.

۳- امالی طوسی، مجلس ۲۸، ح ۴.

۴- امالی طوسی، مجلس ۲۵، ح ۶؛ ربيع الابراز؛ ۱۸۶/۲؛ الجليس الصالح؛ ۱۳۳/۲، مجلس

۳۳؛ عيون الاخبار (ابن قتيبه‌ی دینوری): ۱۸/۲.

۵- الفهرست / ۱۱۱.

۶- شرح نهج البلاغه؛ ۱۳۳/۱.

گرانبهائی اندیشمندان پیشین به شمار می‌رود، گوهرهای گرانقدری را به چنگ آورده، و آن‌ها را در قالب کتابی در چند مجلد به جوامع علمی عرضه داشته است؛ لیکن چگونگی عرضه‌اش، گستره‌ی بهره‌وری از آن را محدود می‌نمود.

از این رو، حقیر با توجه به گرفتاری‌های ایام تحصیلی حوزه، در دو نوبت که به سفر تبلیغی رمضان و صفر عزیمت کرده بودم، دست به قلم شده، ترجمه‌ی آن را با استمداد ر بوی ماه ربه‌ی ذات اقدس الهی و الطاف خاص حضرت ولی عصر (روحی و ارواح من ... راه فدا) آغاز کردم.

دین که گونه ترفیق رفیق ماگشت و در یک روستا و بدون دستیابی حتی به یک فرهنگ است، این ایام به فرجام راه یافت، سخن فراوان است؛ لیکن بازگویی آن‌ها ضرورتی ندارد و تنها با یادآوری نکاتی چند بسنده می‌شود:

۱- جامع‌ترین کتاب حقیقتاً «عابان علی از زبان علی» را داراست و هیچ‌گونه سخن یا تحلیل دیگری در آن مشاهده نمی‌شود. همین کتاب است.

۲- مؤلف محترم در پایان هر فصل، بخشی از مواد را با عنوان «تکملة» آورده که غالباً در قسمت‌های دیگر تکرار شد است. از این رو، ترجمه‌ی آن‌ها را وانهادیم.

۳- در متن کتاب هیچ‌گونه عنوان گذار به بیان محتوای احادیث به چشم نمی‌خورد، ولی برای بهره‌وری بهینه‌ی خوانندگان کراچی، در ترجمه انجام گرفت.

۴- برای تلخیص، اسناد و پیش درآمدهای روایات که از زبان راهی نقل شده بود، در متن عربی حذف، و فقط گفتار امام علی علیه السلام یا لغت عربی ساده‌اش.

۵- برای اطلاع‌رسانی بیش‌تر و توسعه‌ی آگاهی بخشی به دوستان، اربابان و لایق، منابع گوناگونی از جوامع روایی و تاریخی شیعه و سنی، برای هر یک از احادیث ذکر شده است؛ لیکن متن موجود از نخستین منبع اتخاذ گردیده است و طبعاً اندک تفصیلات در نقل‌های متون اصلی مشهود است.

۶- تنظیم فصول و ابواب گوناگون با فهرست‌های گویا، خواننده‌ی محترم را در تنظیم جدول زمان بندی مطالعه یاری می‌کند.

۷- از این اثر ارزشمند که تاکنون سه جلدش به زیور طبع آراسته شده است، فقط جلد یکم که اختصاص به حوادث عصر پیامبر ﷺ دارد، با بضاعت کم‌مایه‌ی حقیر، ترجمه شده است و دیگر جلد‌ها نیز به توفیق الهی ترجمه و در دسترس دوستداران قرآن و عترت برآورد خواهد گرفت.

۸- از آنجا که در جلد دوم کتاب به اثبات امامت امام علی علیه السلام از زبان خودش پرداخته شد است، طبع گرانسنگ غدیر در جلد یکم حذف شد.

۹- برای تنگ و استوار کردن روح بلند جناب ابوطالب علیه السلام و پاسخ‌گویی به برخی از شبهه‌افکنی‌های دشمنان و درستان منرض یا ناآگاه، در قسمت پایانی کتاب، بحثی با عنوان «خاتمه» به تبیین ویژگی‌های آن بزرگوار توسط فرزند برومندش، امام علی علیه السلام، اختصاص یافته است.

۱۰- با عنایت به قرینه‌ی عبارت مناسب حکم و موضوع، این کتاب را «آفتاب آمد دلیل آفتاب» نام نهادیم.

۱۱- این کتاب در سال ۷۸ از سوی «شورای عالی کتاب برگزیده‌ی حوزه» دارنده‌ی رتبه‌ی دوم شناخته شد.

* * *

در پایان برای آشنایی بیش‌تر با سبک مترجم مطالبی تقدیم می‌نمایم.

۱- با مراجعه به سخنان ائمه‌ی لغت عرب، در می‌یابیم که «ترجمة» مصدر فعل رباعی «ترجم یترجم» است و اسم فاعل آن غالباً به صورت «مترجم» استعمال نشد؛ بلکه به جای آن واژه‌ی «ترجمان» را به کار می‌برند. معنا و مفهوم «ترجمان» که پیشینه‌ی کاربرد فراوانی دارد، همان تفسیر، تشریح و تبیین سخنان گوینده یا نوشتار نویسنده‌ای و ویژگی‌های شخصیتی فردی برای دیگران است، به نوعی که هیچ‌گونه کاستی، نارسایی و ابهامی نداشته باشد و مقصود کاملاً در اختیار مخاطب قرار گیرد. از این رو، نوشته‌هایی که شرح حال رجال را بیان می‌کند، «کتب تراجم» می‌نامند.

در این زمینه ر.ک: لسان العرب: ۵/۱۶۳ / چاپ دفتر تبلیغات اسلامی؛ الصحاح:

۴/۱۹۲۸ / چاپ انتشارات امیری؛ النهایة: ۱/۱۸۶ / چاپ مشترک دارالکتاب مصر و بیروت؛ مصباح المنیر: ۱/۷۴ / چاپ دارالهجرة؛ أقرب الموارد: ۱/۷۵ / چاپ کتابخانه آیة ... نجفی مرعشی؛ مجمع البحرین: ۱/۲۸۷ / چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ فرهنگ جامع نوین: ۱/۵۴۳ / باتصحیح و مقدمه استاد علامه آیة الله حسن زاده.

۲- بر اساسی موارد کاربرد واژه‌ی «ترجمان» در متون دینی نیز ما را به حقیقت پیش گفته، متون می‌سازد. در این زمینه به ذکر چند نمونه بسنده کرده، تتبع سایر موارد را با نظر نشان به خواننده‌ی ارجمند واگذار می‌کنیم. در زیارت آل یاسین این‌گونه می‌خوانیم: «السلام علیک یا تالی کتاب الله و ترجمانه»^(۱)؛ یعنی به امام مهدی علیه السلام با وصف تلاوت کرده، و بازگو کننده‌ی حقایق قرآنی سلام می‌کنیم.

همچنین در زیارت امام جواد علیه السلام این‌گونه گواهی می‌دهیم: «أشهد أنك ولی الله... و ترجمان القرآن»؛ گواهی می‌دهم تو ولی خدا... شارح و تفسیر کننده‌ی قرآن هستی.^(۲) در زیارت امام هادی علیه السلام می‌بینیم: «الذی نصبته علماً لعبادک و مترجماً لکتابک»؛ سلام بر امامی که او را به بندگانت نشان هدایت و برای کتابت مفسر قرار داده‌ای.^(۳)

امام صادق علیه السلام در توصیف اهل بیت علیهم السلام فرماید: «بنا ینزل الغیث و بنا ینزل الرحمة و بنا یدفع العذاب و النعمة، فمن سمع هذا الذی نلیت فقد نلی قلبه حبناً، فان وجد فيه البغض لنا و الانکار لفضلنا، فقد ضل عن سواء السبیل؛ لا حول المعبود و ترجمان و حیه و عیبة علمه و میزان قسطه».^(۴)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز می‌فرماید: «کلکم ینکم ربّه یوم القیامة لیس سینه وینه ترجمان...»؛ روز قیامت، همه‌ی شما با پروردگارتان بدون واسطه سخن می‌گویید^(۵) و همچنین از القا و تشریح وحی توسط جبرئیل علیه السلام به ترجمه تفسیر شده

۲- بحار الأنوار: ۱۰۲ / ۲۱.

۱- بحار الأنوار: ۱۰۲ / ۹۳.

۴- بحار الأنوار: ۲۶ / ۲۵۹، حدیث ۳۶.

۳- پیشین.

۵- بحار الأنوار: ۷ / ۱۸۳، حدیث ۲۹.

است؛ «... كل ذلك يترجم جبرئیل علیه السلام له وعنه تشریفاً من الله عز وجل له ﷺ»؛ برای بزرگداشت پیامبر ﷺ، از سوی خداوند بزرگ، تفسیر و تشریح آیات الهی میان آیت و جبرئیل رد و بدل می‌شد. (۱)

امام علی علیه السلام در معنای سخن امام جماعت که در پایان نماز می‌گوید: «السلام یوم الیامه» چنین فرمود: «یترجم عن الله عز وجل فیقول فی ترجمته: أمانٌ لکم من عذابکم یوم الیامه».

برای آگاهی بیشتر، بحار الانوار: ۲۶ / ۲۴۸ / حدیث ۱۷ / ۳۳ / ۳۷۰ / ۶۰۲؛ ۳۸ / ۵۳ / ۸ / ۲۱ / ۷ / ۷۱ / ۲۸۵ / ۳۹ / ۸۴ / ۲۵۵ / ۵۲؛ ۸۶ / ۳۳۵ / ۷۲ / ۴۱ / ۸ / ...

۳- در خور تأمل است که اکنون بدان «ترجمه» به فنّ جدیدی از نگارش اطلاق می‌شود که در مقابل «تألیف» است. حقیقت، از نون نو پیندا به شمار می‌رود. از این رو، شاید بتوان آن را به سه نوع تقسیم کرد:

الف: ظاهری یا لفظ به لفظ؛ در این شیوه ترجمه با آشنایی کافی که از زبان برگردان و برگردان شده دارد، به جایگزینی واژه‌ها و ترکیب‌ها به جای یکدیگر می‌پردازد، بی آن که در ساختار جمله تصرف کند. جمله‌ی «به نام خدا» و اسمیه‌ی «باسم آغاز شده، هیچ گونه جابه‌جایی در قیود و متمم افعال و نهاد و گزاره‌ها صورت نمی‌دهد.

این گونه ترجمه را گاهی «همگام و تحت اللفظی» نیز می‌نامند. مانند: «نام خداوند بخشنده‌ی مهربان» در ترجمه‌ی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» یا «پناه می‌برم به خداوند شیطان رانده شده» در ترجمه‌ی «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» یا «سخن به نام پروردگارت که تو را آفرید» در ترجمه‌ی «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ».

ارزیابی، امتیازات و کاستی‌ها

امتیاز این شیوه در اختصار و موجز بودن و حرکت گام به گام با مخاطب برای

۱- بحار الانوار: ۱۶ / ۱۳۴، حدیث ۷۳. ۲- بحار الانوار: ۸۵ / ۳۰۹، حدیث ۱۶.

افاده‌ی مقصود گوینده یا نویسنده نهفته است؛ لیکن روش پیش گفته در جملات کوتاه و سخنان متعارف روزانه سودمند است؛ ولی در بخش‌های علمی که سخن به درازا می‌کشد و پای استدلال و برهان در میان است، بسیار نارسا و ناکارآمد است و شاید تحریف‌ها و ابهام‌های فراوانی را به دنبال داشته باشد.

ب: معنوی یا مفهوم به مفهوم؛ در این روش، مترجم با آگاهی از راز و رمزهای دو زبان معنا و مفهوم جمله را دریافت کرده، با توجه به ویژگی‌های زبان برگردان، همان دست‌خوشانه به خواننده یا شنونده منتقل می‌کند. بالطبع شاید در چنین کلمات یا ترکیب‌های جملاتی، روشی متناسب با خصوصیات زبان دوم را برگزیند.

برای مثال: جمله «فعلیه را با اسمیه و بالعکس، جمله‌ی ایجابیه‌ی را با سلبیه و بالعکس یا جمله‌ی سالبه را با معدود و بالعکس جایگزین کند. مانند: «از سرّ شیطان رانده شده از درگاه الهی. به خداوند باه می‌برم» در ترجمه‌ی «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم» و «یا نام خداوند... برگردان کننده این... را آغاز می‌کنم» در ترجمه «بسم الله الرحمن الرحیم» و «نام برگردان و پروردگارت را بر زبان جاری کن» در ترجمه‌ی «اقرأ بسم ربك الذی خلق» و «او یگانه‌ی برهمناست» در ترجمه‌ی «لیس کمثله شیء» یا «کسی جز تو را نمی‌پرستیم» در ترجمه‌ی «ایناک نعبد» یا ...

ارزیابی، ویژگی‌ها و نقایص

امتیاز خاص این روش در گویا سازی و رسانی نسبی مقاصد نویسنده یا نویسنده برای مخاطب است، لیکن ممکن است بر اثر غفلت از دقایق دو زبان، ابهاماتی در برداشته باشد که با اعمال شیوه‌ی سوّم تکمیل می‌گردد. گفتنی است که گاه این روش را در اصطلاح «ترجمه‌ی آزاد» می‌نامند که ظاهراً نامگذاری نامناسبی است و افزوده‌های مترجم، محصول آزادی وی از قیدوبند ظواهر الفاظ و دلالت جملات نیست، بلکه فرآورده‌ی آگاهی‌ها و دستیابی وی به سبک و سیاق و مقاصد اصلی گوینده یا نویسنده است.

ج: حقیقی یا محتوا به محتوا؛ در این سبک مترجم با اطلاع فراوان از دقایق و

لطایف و اشارات هر دو زبان، و در پرتو عنایت به قراین گویای پیوسته و ناپیوسته، و شناسایی مقدمات و مقارنات و شرایط زمانی و مکانی حاکم بر فکر و اندیشه‌ی گوینده یا نویسنده و نیز مخاطبان وی، محتوا و مقصود او را کشف، و با زبان برگردان به مخاطب انتقال می‌کند.

یعنی است بهره‌وری از انواع گسترده‌ی آرایه‌های ادبی: کنایه‌ها و استعاره‌ها و تمثیل‌ها و تشبیه‌ها، در همه‌ی زبان‌ها، به ویژه زبان عربی، رایج و ناگزیر است و انتقال مفاهیم آن‌ها به زبان سر، در گرو اطلاع از شرایط پیش گفته است.

ناگفته نماند که این سبک، کامل‌ترین و رساترین و زیباترین راه در کشف و انتقال مراد گوینده و نویسنده به مخاطبان اوست. شاید برخی نام این روش را «تفسیر» بگذارند نه ترجمه؛ لیکن سخن در نام‌گذاری نیست و تناسب این شیوه با معنای لغوی و کاربرد آن در متون دینی بر همگان آشکار است و تفسیر به عوامل دیگری نیازمند است که در این کوتاه سخن، مجال پرداختن به آن‌ها نیست.

شاید بتوان این نوع از ترجمه را «تفسیر» نام نهاد؛ همان‌گونه که ادیب نام‌آور عرب، عبدالحمید بن ابی‌الحدید معتزلی در تبیین این سخن علوی علیه السلام: «إِنَّا لَم نُحْكِمِ الرِّجَالَ وَإِنَّمَا حَكَمْنَا الْقُرْآنَ... وَلَا بُدَّ لَهُ مِنْ تَرْجُمَانٍ» می‌گوید: «وَالْتَرْجُمَانُ بفتح التاء وضم الجیم هو مفسر اللُّغَةِ بلسان آخر»^(۱).

کوتاه سخن این که: برترین ترجمه آن است که مترجم به سوی مؤلف بشیند و به گونه‌ای روشن و شفاف با مخاطبان خودش سخن بگوید و در انتقال مفاهیم هیچ‌گونه چالش و کاستی نداشته باشد.

برای روشن شدن بیش‌تر به چند نمونه توجه فرمایید:

۱- امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: کسانی که از گناهان کبیره دوری کنند، خداوند از گناه کوچکشان چشم‌پوشی می‌کند. محمد بن ابی‌عمیر خطاب به آن حضرت می‌گوید: پس شفاعت برای چه گروهی از گناهکاران است؟

امام کاظم علیه السلام می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّمَا شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَارِ مِنْ أُمَّتِي؛ شفاعت من فقط در حق مسلمانانی است که مرتکب گناهان بزرگ شده اند».

محمد بن ابی عمیر می گوید: چگونه مرتکبان گناه کبیره مورد شفاعت قرار می گیرند، یا آن که خداوند می فرماید: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى»؛ دارندگان حق شفاعت فقط از کسی دستگیری می کنند که مرضی خدا باشد. اکنون این پرسش مطرح است: چگونه آن مرتکبان بزرگ، افراد پسندیده‌ی خداوند سبحان به شمار می روند؟

امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: ... معنای آیه‌ی کریمه چنین است: «لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى اللَّهُ لَهُ» یعنی محور رضایت ذات اقدس الهی، دین اسلام است و یکی از ارکان مهم دین، عتاب به مرتکب روز پاداش و کیفر است. قهرآ چنین کسی از دست یازیدن به گناه پشیمان می شود. زیرا سرانجام شوم گناهکاران آگاه است.

پس، دستگیری علیه السلام از اهل کبر بر بدن جهت است که خداوند بزرگ دین آنان را پسندیده است. (۱)

۲ - آیه‌ی کریمه‌ی: «وَلَا يَجْعَلْ يَدَكَ سَوْلَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْشُورًا» (۲)، دو اصطلاح «عن بدین» و «بسط بدین» را در بر دارد که کنایه از «یخل ورزیدن و سخاوت» است و بدون توجه به آن، مفا، آیه، نهی از بستن و نیاویختن دست به گردن است که کاملاً مبهم و نارساست.

۳ - غالب گویندگان و نویسندگان مذهبی، سخن عقیده‌ی بنی هاشم حضرت زینب کبری علیها السلام را هنگام مشاهده‌ی بدن پر خون و چاک چاک برادرش حسین علیه السلام: «أَنْتِ أَوْ أختی و ابْنُ وِالدی»؛ این گونه ترجمه می کنند: زینب برادرش را نشناخت و گفت آیا تو برادر و فرزند پدر منی؟

با اندک تأملی می توان دریافت که همزه در این جمله برای افاده‌ی استفهام جتنی نیست، بلکه برای اظهار شگفتی و تحسّر قلبی آن بانوی نستوه و استوار به کار رفته است؛ یعنی مردم خون آشام کوفه، چنان از خدای بی خبر و سنگدل و وحشی هستند که با فرزند

پیامبرشان این گونه رفتار ددمنشانه‌ای از خود نشان می‌دهند! زیرا نشناختن برادری که سال‌ها با او انس گرفته، لحظاتی پیش او را برای آخرین بار در آغوش کشیده و با او وداع کرده است، امری ناممکن می‌نماید.

گفتنی است: در این اثر، گاه از سبک دوم و گاه از شیوه‌ی سوم بهره‌جسته‌ایم. در پایان، از همه‌ی خوانندگان گرامی خواهشمندم که برای بهینه‌سازی این اثر، پیشنهادهای خود را به نشانی ناشر محترم ارسال فرمایند.

مجید حیدری فر

۷۹ / ۶ / ۸